

"نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در مناقشه قره باغ و پیامدهای آن بر امنیت نظامی ج.ا.ا."

سید محمد جواد موسوی^۱

محمدعباسی^۲

تضی فتحی شهری^۳

چکیده:

قفقاز جنوبی منطقه ای کوهستانی با موقعیت ژئوپلیتیکی عالی در شمال کشور می باشد که همواره مورد توجه قدرت های بزرگ جامعه جهانی بوده لذا این ناحیه در بردارنده فرصت ها و تهدیدهای قابل توجهی برای ج.ا.ا است، حضور رژیم غاصب صهیونیستی به بهانه حمایت و کمک به جمهوری آذربایجان در مناقشه قره باغ باعث ایجاد دغدغه های جدی امنیتی و نظامی در مناطق مرزی شمال غرب کشور برای مقامات کشوری و لشکری ج.ا.ا گردید. این پژوهش با این هدف تهیه شده که با استفاده از روش توصیفی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای در قالب تحلیل محتوایی پاسخ گوی این پرسش باشد که حضور رژیم اشغالگر قدس در مناقشه قره باغ چه پیامدهایی بر امنیت نظامی ج.ا.ا خواهد داشت؟ که در این راستا با استناد به نتایج حاصله؛ تهدیدات ناشی از نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در منطقه که می تواند امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را به خطر بیندازد در شش سطح اولویت بندی گردید که مهم ترین آنها مواردی از قبیل احداث پایگاه های شنود و جاسوسی، تجهیز تسلیحاتی جمهوری آذربایجان و حمایت پهلادی از این کشور؛ حضور رژیم صهیونیستی در نواحی مرزی ج.ا.ا؛ رواج تفرقه افکنی قومیتی و تحریک نمودن کشور جمهوری آذربایجان بر علیه ج.ا.ا می باشد و راه کارهای مقابله ای با این تهدیدات نیز در پنج سطح یا ضرورت اقدامات مقابله ای دسته بندی گردید.

کلید واژه ها: امنیت نظامی، جمهوری اسلامی، رژیم صهیونیستی، قره باغ، مناقشه

جستار گشایی

مناقشه قره باغ از بحران‌های با سابقه و دیرپای سرزمین‌های اتحادیه جماهیر شوروی سابق است که دارای ابعاد و مقیاس گسترده و بزرگ و دورنمای نامشخص است که روز به روز ادامه یافته و ماهیت بین‌المللی و بین‌الدولی به خود پیدا کرده است. این مناقشه که از سال ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی شوروی به عنوان یک معضل اساسی بین دو کشور تازه استقلال یافته جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان پدید آمده است هر دو کشور را به سمت جنگ و مبارزه مسلحانه سوق داده است. از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ حدوداً ۲۰ درصد از خاک آذربایجان از جمله دالان راهبردی لاجین (ناحیه حائل بین قلمرو ارمنستان و جمهوری آذربایجان و پیوند دهنده قلمرو قره باغ با ارمنستان)، فضولی، فجرائلی، زنگلان قاباله، کلبجر، لاجین از خاک اصلی آذربایجان جدا و با تخلیه ساکنین اصلی آن، سرزمین مذکور به تصرف جدایی طلبان قره باغ (ارامنه) درآمد. این مناقشه، مناسبات امنیتی در قفقاز جنوبی را نه تنها با بحران جدی مواجه ساخته، بلکه حتی بر مسائل قفقاز شمال و سیاست فدراسیون روسیه نیز تأثیر گذاشته است و زمینه ورود برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نیز فراهم کرده است، مداخله گرانی که سیاست دوجانبه را در پیش گرفته و تنها برای منافع خود گاهی با هدف اضافه کردن هیزم با مناقشه بوده است (کرمی، ۱۳۷۴: ۴۶۷).

حال محقق این دغدغه را به عنوان مساله اصلی تحقیق در ذهن دارد که بحران قره باغ به علت وجود خیل عظیم آذری زبانان و اقلیت ارمنی‌ها در ایران و از طرفی داشتن مرز مشترک بلاواسطه با منطقه مورد درگیری، و وجود شواهدی مبنی بر حضور اطلاعاتی و نظامی رژیم اشغالگر قدس و ترکیه در این مناقشه؛ تهدیداتی جدی و آشکار برای امنیت ملی و به تبع امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت.

لذا این موضوع تاکنون به روش علمی مورد توجه قرارنگرفته است و از سوی دیگر پیروزی فعلی جمهوری آذربایجان نیز با تقویت پان ترکیسم همراه بوده که هواداران خاص خود را در سطح استان‌های ترک در شمال غربی کشور و به تبع نیروهای مسلح و سربازان یگان‌های نظامی باعث شده که این امر می‌تواند امنیت نظامی ج.ا.ا ایران را با چالش اساسی مواجه سازد.

منطقه کوهستانی قره باغ در سال ۱۳۹۹ بار دیگر صحنه درگیری مرگبار میان نیروهای ارتش ارمنستان و آذربایجان شده که باعث بازیگری بیش از پیش رژیم غاصب صهیونیستی گردیده لذا بدیهی است که اگر این تحقیق انجام نشود کماکان نقصان‌های زیر باقی خواهد ماند

شناخت تکمیلی از تهدیدات نوین رژیم صهیونیستی، امکان فراهم سازی اقدامات پیشگیرانه در مقابل رژیم صهیونیستی، آرامش موجود در مرزهای شمالی ما در اثر حضور کشور های متخاصم، شدت گرفتن گرایش‌ها پان ترکیسم موجود در کشور آذربایجان از ضرورت‌های این پژوهش محسوب می‌شود.

منطقه قره باغ به علت موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار عالی، همواره مورد طمع سایر کشورها بوده که هر کدام به دنبال منافع خود و به دست آوردن موقعیتی برای نفوذ در این منطقه هستند لذا پدیدهی است با انجام این تحقیق از دستاوردهای آن در موارد زیر می توان بهره برد: تولید ادبیات در حوزه امنیتی، نظامی و اطلاعاتی، تاثیر بر اندیشه افراد جامعه بالاخص نخبگانی که در این حوزه به دنبال اطلاعات شناختی بوده در جهت شناسایی بازیگران مخالف سیاست های ج.ا.ا حاضر در این مناقشه، آگاهی بخشی از شیوه های نوین رژیم اشغالگر قدس در حوزه نظامی، بهره برداری از نتایج این تحقیق در حوزه تهیه شیوه نامه ها و دستورالعمل های رزمی مورد نیاز نیروهای مسلح، حساسیت در حوزه حفاظت اطلاعاتی و اطلاعاتی به جهت افزایش فعالیت اطلاعاتی سرویس های رژیم غاصب صهیونیستی، استفاده از ادبیات تحقیق در حوزه فریب استراتژیک بازیگران خارجی تاثیر گذار در این منطقه.

در مطالعه پیشینه های این پژوهش مجید رضامومنی و امید رحیمی (۱۳۹۵) چالش هایی از جمله بحران قره باغ، سیاست های قوم گرایانه باکو و سیاست های مذهبی ایران که به سردی روابط دو کشور منجر شده است، سبب شده تا تقابل ایران و اسرائیل به عنوان عاملی مهم و تاثیرگذار، گسترش روابط سیاسی-امنیتی جمهوری آذربایجان را موجب شود که هدف اسرائیل از آن مقابله با ایران است. مجید بزرگمهر و سید مهدی طباطبایی (۱۳۹۶) در مقاله ای تحت عنوان بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵ عنوان می کنند که بعد از فروپاشی شوروی فرصت تاریخی در اختیار ایران و ترکیه قرار گرفته که تا به اهداف خود در قفقاز جنوبی برسند اما سیاست توسعه طلبانه ترکیه و سیاست احتیاطی و مدارای ایران برای ایفای نقش در معادلات این منطقه، شرایطی را دامن زده، علی ولیقلی زاده در پژوهشی تحت عنوان بررسی و تحلیل ماهیت میانجیگری بین المللی در بحران ژئوپلیتیک قره باغ مهم ترین موانع حل بحران قره باغ را نبود رویکرد منسجم در تلاش های میانجی گری از سوی بازیگران مختلف برای حل بحران عنوان کرده که این موضوع تابع منافع راهبردی و درک ژئوپلتیک متفاوت بازیگران، نگاه متفاوت آنها نسبت به بحران، رفتار جانبدارانه میانجی گران و شرایط نابرابر روند مذاکرات صلح بین طرفین درگیر در بحران قره باغ است. بهزاد خدا بنده لو (۱۳۹۶) در پایان نامه خود تحت عنوان بحران قره باغ و تاثیرات آن بر روابط ایران و آذربایجان از ابتدای مناقشه تا امروز ابراز داشته که روابط ایران با جمهوری آذربایجان تحت تاثیر این مناقشه قرار گرفته، علی امیدی و مطفی خیری (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان (تاثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران) بیان کرده اند که مقامات جمهوری آذربایجان در چارچوب اختلافاتی که با ارمنستان، به ویژه در مسئله قره باغ دارند، به روابط با اسرائیل می اندیشند و در این رابطه عمدتاً به دنبال دستیابی به ادوات و تکنولوژی های پیشرفته نظامی از اسرائیل و کسب حمایت لابی صهیونیستی در آمریکا برای مقابله

با لابی ارمنی هستند. هادی ابراهیمی کیایی و کمال زارعی (۱۳۹۹) در مقاله ای تحت عنوان (تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز به این موضوع اشاره کرده‌اند. چارچوب نظری:

واقع گرایی تهاجمی: واقع گرایی تهاجمی یک نظریه در قلمرو روابط بین الملل است که ابراز می دارد که کشورها متمایل به رقابت و درگیری اند، به این علت که آن ها به دنبال تامین منافع خود، پیشینه سازی و به حداکثر رساندن قدرت، و هراس و وحشت بازدارنده دیگر دولت ها از خوداند. دال مرکزی واقع گرایی تهاجمی، اطمینان حاصل کردن کشورها از امنیت خودشان با افزایش قدرت است (Johnson, et. al. 2016, p1).

جان میرشایمر^۱ با ارائه نظریه واقع گرایی تهاجمی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا روابط میان قدرت ها و کشور ها در سیستم بین المللی مملو از تعارض است؟

میرشایمر، تلاش دارد که بیان کند که کشورها برای اطمینان از امنیت خود، دریافتند که امن ترین موقعیت در سیستم بین الملل (برای یک کشور در یک منطقه خاص)، در درون یک هژمون منطقه ای شکل می گیرد. فقط یک هژمون منطقه ایست که درک کرده است در صورت ارتقا خود به این موقعیت، تهدید و فتح نخواهد شد و شانس بقا افزایش خواهد یافت (Kirishner, 2010, p.18). هژمون منطقه ای در واقع کشوری است که به دنبال تسلط بر منطقه خاص جغرافیایی و احتمالاً کنترل بر سایر مناطقی که در نزدیکی آن سرزمین قابل دسترس هستند، است (Shanmugasundaram, 2012, p.18).

هژمون منطقه ای اهداف پیشگیرانه ای را در حوزه جغرافیایی خود دنبال می کند تا از ظهور یک قدرت رقیب در مناطق مجاور جلوگیری کند.

میرشایمر معتقد است که کشور ها به منظور افزایش قدرت، استراتژی گوناگونی را برای ارتقاء موقعیت خود در سیستم خود دنبال می کنند. یکی از این استراتژی ها، تهدید و جنگ است. به طور خاص کشورها از زور و تهدید با هدف دستیابی به کنترل بهره می گیرند. جنگ در عین حال که امنیت متجاوز را افزایش می دهد و منافع آن را تثبیت می کند، موجب کاهش امنیت سایر دولت ها هم خواهد شد. (Valeriano, 2009, p.6). او بهترین راه بقاء را برای بازیگران بین المللی، کسب و افزایش قدرت می داند تا مزیت برتری ایجاد شود. کشور طرفدار تغییر وضعیت موجود با جستجو حداکثر سازی قدرت (مانند تقویت قدرت نظامی) شانس خود را برای حفظ موجودیتشان افزایش می دهند. میرشایمر می گوید که بهترین دفاع یک حمله خوب است. با تقسیم قدرت دولت ها به بالقوه (جمعیت و اقتصاد) و بالفعل (قدرت نظامی)، میرشایمر معتقد است که قدرت نظامی به دلیل اینکه در تحلیل نهایی سیاست بین الملل اهمیت بالایی دارد، مهم ترین است، همچنین ضرورت قدرت (نظامی) زمینی را هم گوشزد می کند (Toft, 2005, p.4). قابلیت های مادی یک کشور از

قدرت اقتصادی و نیروی نظامی تشکیل شده است. این دو مولفه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، زیرا پایه های قدرت نظامی بر بستر منابع ثروت قرار می گیرد و ترمیم منابع، به معنای تغییر در حوزه نظامیست. به همین دلیل برای واقعگرایان تهاجمی، سیاست بین الملل به کشمکش برای تصاحب منابع مادی بیشتر قابل توصیف است (Jung Kim, 2020, p.5-6).

امنیت: واژه امنیت از جمله واژه هایی است که به لحاظ برخی شباهت ها، دارای مفهومی سیال، متنوع و صورتی متغیر بوده که گستره بسیار وسیعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی را شامل می شود. طبیعی است ارائه تعریفی کامل و جامع برای این گونه مفاهیم، دشوار است (بخشی، ۱۳۹۵: به نقل از صالح نیا، ۱۳۹۵:۳۹۸۳) با یک بررسی اجمالی مشخص می شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف (از حیث معنی و بعضاً از نظر زبان شناختی) از امنیت ارائه شده است (افتخاری، ۱۳۷۷: به نقل از صالح نیا، ۱۳۹۵:۳۹۸۳). معنای لغوی امنیت در «آرامش» و «آسودگی» بودن از هرگونه «تهدید» و «ترس» می باشد (معین، ۱۳۶۳: به نقل از صالح نیا، ۳۹۸۳) ریشه امنیت در لغت از «امن»، «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر «خوف»، «ترس» و «ناآرامی» است. به عبارت دیگر، امنیت را به اطمینان و فقدان خوف تفسیر و تعریف و ترجمه نموده اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است (خسروی ۱۳۹۴: به نقل از صالح نیا ۱۳۹۵:۳۹۸۳).

امنیت ملی: به طور کلی می توان گفت امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت های ملی است تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد (ماندل، ۱۳۸۷:۵۲).

امنیت نظامی: درگیری مسلحانه و جنگ و خونریزی عمری به طول تاریخ بشریت دارد. همه ما با داستان قتل هابیل توسط قابیل که در ابتدای زندگی بشر بر روی کره خاکی رخ داده است آشنا هستیم. با توفی کوتاه در کتب تاریخی می توان دریافت که تاریخ زندگی بشریت با جنگ بر سر مسائل مختلف گره خورده است. هرچند در برهه هایی از تاریخ این امید در میان دانشمندان و متفکران به وجود آمده است که با توجه به پیشرفته های انسانی دوران خونریزی تمام شده است اما خیلی زود همه این امیدها به ناامیدی تبدیل شده است. به طور کلی مصونیت یک فرد، گروه و ملت از تعرض و تجاوز فیزیکی مسلحانه به حقوق مشروعش را امنیت نظامی می نامند (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: به نقل از صالح نیا، ۱۳۹۵:۳۹۸۳). امنیت نظامی قدیمی ترین بعد امنیت ملی است. در مقام بررسی بعد نظامی امنیت ملی، تاکید بر مسئله حفاظت مستقیم فیزیکی از قلمرو دولت و ساکنان آن فراتر رفته است. در مسئله دیدگاه ملی از امنیت نظامی، در حالی که توانایی جنگ کردن و پیروزی نظامی در آن هنوز هم هدف محوری است ولی در بسیاری از کشورها، تاکید بر جنگ سنتی به سوی کشمکش غیر سنتی کم شدت معطوف شده است (ماندل، ۱۳۸۷: به نقل از صالح نیا، ۱۳۹۵:۳۹۸۳).

امنیت نظامی ج.ا.ا: بحران قره باغ کوهستانی در حال حاضر، مهم ترین عامل ناامنی در قفقاز جنوبی است که امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران را با توجه به وجود مرز مشترک و نیز اشتراکات قومی-مذهبی، به طور مستقیم تحت الشعاع قرار داده است و این بحران تهدیدهایی را برای کشور ما به همراه دارد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه: قفقاز جنوبی حوزه ای است که به لحاظ انرژی غنی و به دلیل عبور خطوط مهم انتقال انرژی از فضای جغرافیایی آن در عرصه ترانزیت انرژی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. وجود این پتانسیل ها باعث شده است که این حوزه به گلوگاه تعلقات ژئوپلیتیکی بازیگران مختلفی تبدیل شود. مهم ترین تعلق ژئوپلیتیکی آذربایجان و ارمنستان قره باغ است. موضوع قره باغ چنان با منافع ژئوپلیتیکی طرفین گره خورده است که نمی توان نقش آن را در بن بست سیاسی بین آذربایجان-ترکیه و ارمنستان انکار کرد. گونه ای که مناسبات هردو دولت آذربایجان و ترکیه با ارمنستان قادر است بر مناسبات آذربایجان-ترکیه نقش آفرین باشد. به عبارت آشکار تر هرگونه تغییر مثبت یا منفی در روابط آذربایجان و ارمنستان می تواند موجب تسهیل در حل دیگر مشکلات بین ترکیه و ارمنستان باشد و بالعکس. قفقاز جنوبی از نگاه ایران علاوه بر حوزه تمدنی، یک محیط امنیتی نیز هست. کنش ها و واکنش های دولت ها، نیروهای سیاسی و اجتماع درون قفقاز، سطحی از تاثیر را بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران می گذارد. به عبارت دیگر ایران علاقمند به بین المللی شدن ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی نیست چون در این صورت نیروهای فرمانطقه ای به بانه های مختلف در سطوح مختلف این منطقه نقش آفرینی خواهند نمود و در صورت نیاز هم سطحی از منازعه و بحران های منطقه ای را خلق خواهند کرد. (گنج خانلو، ۱۳۹۸: ۶-۸).

مناقشه (منازعه): منازعه (مناقشه) وضعیتی است که در آن گروه انسانی معینی (قومی، مذهبی، سیاسی و...) با گروه انسانی دیگری به دلیل برخی ناسازگاری اهدافشان (واقعی یا ظاهری) تعارضی آگاهانه داشته باشند. منازعه با رقابت متفاوت است. هنگامی رقابت به منازعه تبدیل شود که طرفین بکوشند موقعیت خود را با تنزل موقعیت دیگران تقویت نمایند و رقبای خویش را در دستیابی به اهداف خود از دور خارج نمایند. یکی از کوشش های منظم در طبقه بندی ریشه های کشمکش را کنت والتز انجام داد و در اثر خود به نام (انسان، دولت و جنگ) ریشه های کشمکش را در سه متغیر؛ انسان، واحدهای سیاسی و نظام بین الملل تشریح کرد. که با پیشرفت تحقیقات و دقت در مشاهدات، سه متغیر مورد نظر والتز به پنج متغیر (انسان، اجتماعی، واحد سیاسی، بین المللی و نظام بین الملل) افزایش یافته است. (سریع القلم محمود، ۲۰: ۱۳۹۰).

با توجه به ریشه ها و علل موجد و شرایط و موقعیت های مختلف، منازعات ممکن است دارای ماهیتی

خشونت آمیز یا مسالمت آمیز، آشکار یا خن، کنترل پذیر یا کنترل ناپذیر، قابل حل یا غیر قابل حل باشند. بنابراین، منازعه لزوماً به صورت خشونت آمیز تجلی و ظهور نمی کند، بلکه امکان دارد در قالب کنش ها و رفتارهای مسالمت آمیز نمود پیدا کند. از این رو امروزه بسیاری سیاست را هنر کارگردانی منافع متعارض و متضاد تعریف می کنند که فرایندی برای حل و فصل مسالمت آمیز منازعات مختلف است (قربانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۷).

اهمیت قره باغ: وجود منابع غنی انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز، همواره توجه قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای را به این حوزه جلب کرده است. از دیدگاه ژئوپلیتیک، قدرت برتر جهان در قرن ۲۱، کشور یا کشورهایی هستند که به منابع انرژی جهان تسلط کامل داشته باشند چرا که از طرفی نبود چشم انداز روشن برای انرژی های جایگزین نفت و گاز و از طرفی ارزانی این مواد سوختنی و گرانی دیگر منابع انرژی و همچنان روند رو به رشد تقاضای جهانی انرژی، روز به روز بر اهمیت استراتژیک این منابع در قرن ۲۱ افزوده است. حال برای انتقال این منابع هیدروکربنی است تزئیک به مسیرهایی نیاز است که به لحاظ متغیرهای تأثیرگذار نظیر امنیت سرزمین، هزینه انتقال، مسافت خطوط انتقال و وجود زیر ساخت های لازم برای انتقال انرژی، این امکان را فراهم کنند. امروزه، تنوع منابع و گوناگونی در دسترسی به انرژی مورد نیاز به بخش مهمی از مولفه های سیاست جهانی برای تأمین امنیت انرژی تبدیل شده است (اورهان، ۲۰۲۰، به نقل از اشرفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

منطقه قره باغ از جهت ژئوپلیتیک و اقتصادی اهمیت فراوانی دارد. جریان تعداد زیادی از رودخانه های مهم از قره باغ سرچشمه گرفته و به سمت اراضی آذربایجان سرازیر شده است و تسلط یک قدرت بیگانه بر این منطقه می تواند با کنترل آب این رودخانه ها، صدمات فراوانی را بر اقتصاد آذربایجان وارد ساخته و نیز چون اهرم فشاری علیه سیاست های باکو اعمال گردد. بخصوص این که باکو سدهای زیادی را بر روی این رودخانه احداث کرده که از این طریق انرژی الکتریسته خود را تأمین می کنند. مراتع وسیع با شرایط آب و هوایی مناسب محیط مناسبی را برای تولید انواع محصولات فراهم ساخته است. وجود معادن سنگ های گران قیمت بر اهمیت اقتصادی قره باغ می افزاید. از لحاظ جغرافیایی قره باغ چون قلعه ای است که از غرب آذربایجان را در کنترل خود دارد. دیگر مسئله مهم، محذب بودن مرزهای آذربایجان به سمت ارمنستان است که این خود باعث آسیب پذیری مرز جمهوری آذربایجان در برابر ارمنستان می شود؛ اما از دید ارامنه، بدون قره باغ یگانگی فیزیکی ارمنستان در قفقاز از بین می رود. مضاف بر این قره باغ حدفاصل جمهوری آذربایجان و ترکیه است و این ارتباط برای ارامنه تهدیدی بزرگ محسوب می شود. (جعفری فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲).

سرزمین قره باغ بنا به آمارهای رسمی، ۱۵۵۵ کیلومتری مربع و معدنی را در دل خاک خود جای داده است که

طلا، نقره، سنگ های قیمتی و آهن مهم ترین آن هاست. دولت ارمنستان هم در سال های اخیر در حوزه معادن قره باغ بسیار فعال بوده و ادعا میشود که به یکی از بزرگ ترین کشورهای جهان در زمینه صادرات فلزات و سنگ های قیمتی بدل شده است. (عظیم زاده، ۲۰۱۹ به نقل از ویسی، ۱۴۰۰: ۱۶۵)

از این رو است که این منطقه برای هر دو کشور بسیار حائز اهمیت است و هیچ کدام حاضر به عقب نشینی از مواضع خود نمی شوند حتی بعد از آخرین توافقی که در این خصوص با وساطت کشور روسیه صورت گرفت نیز کماکان به صورت محدود کنش و واکنش هایی هم در نواحی مرزی و هم در مسائل داخلی این دو کشور به چشم می خورد.

جمهوری اسلامی ایران و بحران قره باغ: رئیس جمهور آذربایجان الهام علی اف اعلام کرد که روابط اش با همسایگان و دیگر کشور ها به میزان زیادی بستگی به موضع این کشورها در قبال بحران قره باغ دارد (نیکول، ۲۰۱۳، به نقل از پور احمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۸: ۱۳۳) از این رو موضع ایران در قبال این بحران همیشه بر روابط سیاسی دو کشور تاثیر گذار بوده در واقع آذربایجان انتظار دارد که ج.ا.ا ایران همانند ترکیه طرف این کشور رادر جنگ و بحران با ارمنستان بگیرد. اما ج.ا.ا ایران با اتخاذ موضع بی طرفانه در این بحران باعث ناامیدی و نارضایتی آذربایجان شد (برندا، ۲۰۱۷، به نقل از پور احمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

بحران ۲۰۲۰ قره باغ از جهات متعدد مانند هم مرز بودن جمهوری اسلامی ایران با دو کشور درگیر در جنگ، وجود اشتراکات قومی، زبانی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی ایران با طرفین درگیر، حساسیت های جمهوری اسلامی نسبت به حضور و نفوذ بازیگران منطقه ای و بین المللی بعضا معارض با منافع آن در حاشیه مرزهای شمالی کشور، مسائل امنیتی ناشی از کشش های هویتی قومیتی در مناطق آذری نشین ایران، نتایج میدانی جنگ و آثار مفاد آتش بس ناشی از آن و در نهایت پیامدهای بحران قره باغ بر تغییرات موازنه قدرت در این منطقه، بر منافع و امنیت ملی کشور اثر گذاشته و دستگاه سیاست خارجی رابه واکنش واداشته است. اما دلایلی چند موجبات انفعال سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در بحران قره با قراهم آورد و موجب شد که ایران به رغم داشتن بیشترین مرز با دو کشور درگیر، بیشترین آسیب و کمتری منافع را در این بحران داشته باشد و سایر بازیگران اصلی بحران مانند روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی، با اینکه هیچ گونه مرزی با این کشورها نداشتند، بیشتری منافع راهبردی را از بحران مذکور به دست آوردند. از جنبه داخلی، جمهوری اسلامی ایران نگرانی های و دغدغه های ژئوکالچری در این خصوص دارد. جنگ در قره باغ، فضای سیاسی داخلی ایران را همواره تحت تاثیر قرار می دهد. در این بحران نیز تظاهرات مردمان آذری کشور در شهرهای مختلف در حمایت از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و سردادن شعارهای قومیتی واگرایانه، مواضع ائمه جمعه استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی،

اردبیل و زنجان در حمایت از اقدام دولت آذربایجان در بازپس گیری اراضی قره باغ را به دنبال داشت و علما و ائمه جمعه این مناطق، آشکارا این اقدام آذربایجان را کاملاً قانونی و شرعی اعلام کردند. از طرفی حمایت های و کمک های مالی ارامنه ایران به ارمنستان و طرفداری کردهای ایرانی از این کشور در جریان بحران اخیر جنبه دیگر حساسیت های قومی این موضوع را برای کشور نشان می داد که طبیعتاً تصمیم گیری دستگاه سیاست خارجی کشور را در این باره به مشکل مواجه می کرد. از جنبه خارجی، ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در برابر روسیه حامی سرخست ارمنستان در جریان جنگ اول قره باغ، در فردای پس از فروپاشی شوروی نیز در نوع سیاست های ایران در قبال دو کشور آذربایجان و ارمنستان اثرگذار بوده است طرف آذری تا جنگ ۲۰۲۰ قره باغ همیشه موضع گیری ایران را به نفع ارمنستان تلقی می کرد و ارمنستان هم از موضع گیری ایران رضایت داشت. درواقع، عدم حمایت قاطع ایران از آذربایجان در بحران مذکور و در نتیجه شکست و اشغال بخشی از خاک این کشور، احساس سرخورده گی و تنهایی ژئوپلیتیکی آذربایجان را در منطقه تشدید کرد و زمینه غرب گرایی بیشتر و تقویت روابط در همه ابعاد با بازیگران فضای ژئوپلیتیکی قفقاز مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی را فراهم نمود. بررسی دقیق زوایای بحران ۲۰۲۰ قره باغ و مواضع در این بحران مشخص می کند که بازیگران اصلی منطقه ای و فرامنطقه ای شامل روسیه، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی، ترکیه و رژیم صهیونیستی، دارای منافع راهبردی و نقشی اثرگذار در بحران هستند (نجفی سیار، ابراهیمی، ۲۲: ۱۴۰۰-۱۵). در صورت تداوم بحران قره باغ و نیز با ادامه سیاست مداخلات باکو در خصوص این منطقه بعید نیست صفحات شمالی ایران، جولانگاه تروریست های ضد شیعه، موضوعی که عمیقاً مطلوب عربستان، رژیم صهیونیستی و حتی خود غرب است تا بدین وسیله مرزهای جنوبی روسیه و نواحی شمالی ایران را درگیر نیروی عقیدتی و بی پایان کرده، توجه آن دو را از مناطقی چون سوریه، لیبی و لبنان دور کنند (نصری، ۱۵: ۱۴۰۱).

در این بین نقش آفرینی ترکیه و رژیم صهیونیستی به گونه ای است که بیشترین تضاد را با منافع ج.ا.ا. دارا می باشند و اقدامات آنها به شدت بر روی امنیت ملی و به تبع آن امنیت نظامی ج.ا.ا. تاثیر می گذارد لذا نیاز است که اقدامات و تحرکات این دو بازیگر در نواحی مرزی ج.ا.ا. و به ویژه در مناطق مورد مناقشه قره باغ به شدت تحت رصد اطلاعاتی قرار بگیرد.

نگرانی های ایران در پی بحران اخیر قره باغ را می توان در چند مورد خلاصه کرد. جمهوری اسلامی ایران پنج نگرانی عمده از تبعات این درگیری دارد:

- ۱- حضور نیروهای تکفیری سوری در مناطق مجاور مرزهای ایران طی جنگ اخیر قره باغ.
- ۲- متاسفانه جریان های تجزیه طلب به خصوص پان ترکیسم، فرصت را غنیمت شمرده و با طرح موضوعات کذایی، تلاش کردند بخشی از بحران را به داخل مرزها و استان های آذری زبان ایران بکشانند.
- ۳- جمهوری آذربایجان کشوری با اکثریت شیعه اما دولتی سکولار است. احتمال دارد که این فهم در

ذهن تصمیم گیرندگان ایران به وجود آمده باشد که در صورت تداوم بحران، قدرت های جهانی که عمدتاً جامعه مسیحیت را هم شکل داده اند، در کنار هم کیشان خود یعنی ارمنی های قرار بگیرند. پس حمایت سیاسی ضمنی ایران از جمهوری آذربایجان در به رسمیت شناختن قره باغ به عنوان جزئی از خاک آن کشور، نوعی توجیه ایدئولوژیک دارد.

۴- همانطور که حضور تکفیری های سوری در جنگ اخیر قره باغ اثبات شد، برخی از رسانه های ترکیه ای هم حضور نیروهای پ ک ک از سوی ارمنستان در برابر نیروهای آذربایجان را مطرح و ارمنستان را متهم به انتقال آن ها به منطقه درگیری کردند (رحیموف، ۲۰۲۰ به نقل از ویسی و همکاران، ۱۴۰۰). ظرفیت چالش زا جنگ قره باغ در درگیر کردن طیف متنوعی از گروه های مسلح رادیکال در کنار نیروهای نظامی متعارف دو طرف، می تواند زنگ خطر را برای امنیت ملی ایران به صدا در بیاورد. یکی از موضوعات مهم درگیری اخیر قره باغ که آن را از نبردهای پیشین در این منطقه متمایز می کند، حضور نیروها و گروه های تروریستی معارض سوری در این منطقه و طی جنگ سپتامبر گذشته بود. اخبار حاکی از آن بود که شماری از ارتش آزاد سوریه و ترکمن های معارض سوری به قره باغ منتقل شدند که این یک تهدید آشکار برای برای امنیت ملی ایران به حساب می آید. مقامات ایرانی هم این موضوع را تایید و درباره آن هشدار دادند (کالجی، ۲۰۲۰ به نقل از ویسی و همکاران، ۱۷۴:۱۴۰۰).

۵- پس از تیرگی روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه، آذربایجان جایگاه بارزی برای اسرائیل پیدا کرد. این نکته را وزیر دفاع سابق اسرائیل، در کنست به صراحت اعلام کرد. اخیراً اسرائیل فعالیت های خود را در منطقه قفقاز جنوبی تشدید کرده است. عواملی که بر این افزایش تحرک دخیل بوده اند عبارتند: اول: این منطقه جامعه به نسبت بزرگی از یهودیان را که شامل گرجستان و آذربایجان می شود را در دل خود جای داد است و تقریباً طی پانزده سال گذشته جمعیت آن ها سه برابر شده است. دوم: این منطقه هنوز جایگاه خود را در تبدیل شدن به کریدور صادرات گاز از دریای خزر، پیدا نکرده است، اما اسرائیل بر روی مطرح شدن این کریدور حساب ویژه ای باز کرده است. سوم: ژئوپلیتیک آذربایجان استفاده از موقعیت زمینی یا هوایی این کشور توسط اسرائیل در حمله احتمالی به تأسیسات هسته ای ایران را فراهم می کند (ویسی و همکاران، ۱۷۵:۱۴۰۰-۱۷۳).

تشدید تنش های نظامی در مرزهای شمال غرب ج.ا.ا.

نکته استراتژیک در خصوص بحران قره باغ این است که از میان مجموع قدرت های دخیل در ماجرای قره باغ (شامل فرانسه، رژیم صهیونیستی، ایالات متحده، روسیه، ترکیه و عربستان سعودی) این فقط ایران است که با هر دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان (شامل منطقه خودمختار نخجوان) مرز مشترک دارد. طول مرز ایران با جمهوری آذربایجان ۷۶۰ کیلومتر (شمال ۲۰۰ کیلومتر مرز با نخجوان) است که

۱۷۵ کیلومتر آن خشکی و بقیه آبی است. ایران با ارمنستان هم ۴۸ کیلومتر مرز مشترک دارد و سرتاسر مرز ایران و ارمنستان، آبی (رود ارس) است (نصری، ۲۰: ۱۴۰۱).

نزدیکی جغرافیایی منطقه قره باغ به عنوان سرزمین مورد مناقشه میان دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان به مرزهای جمهوری اسلامی ایران سبب شده است تا در جنگ میان این دو کشور، مناطق مرزی ایران از این ناآرامی ها در امان نباشند. در جنگ اخیر نیز، همین مسئله به طور جدی رخ نمود که در ادامه، به برخی از مهم ترین نمونه های آن اشاره می شود:

فرورفتن بخشی از شهرستان خداآفرین در تاریکی به دلیل اصابت خمپاره طرفین درگیر در قره باغ به خطوط برق رسانی این شهرستان، اصابت پنج گلوله خمپاره به منطقه پرویز خانلو و مصدوم شدن یک کودک شش ساله، اصابت ۷۱ راکت جنگی در یک روز به منطقه خداآفرین به اذعان علیر راستگو معاون استاندار آذربایجان شرقی، سقوط یک فروند پهباد در اراضی منطقه خداآفرین، ساقط شدن سه هدف پروازی در مناطق ساحلی رود ارس و در نزدیکی مرز ایران، اصابت یک فروند موشک به شهرستان هریس در ۷۰ کیلومتری شمال شرق تبریز، مشکلاتی که در مجموع باعث شد تا فرماندهان نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران واکنش های را ابراز و به مورد اجرا گذارند که در ادامه به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می شود:

اعلام برخورد قاطعانه با نقض کنندگان امنیت مرزهای هوایی جمهوری اسلامی توسط جانشین قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء، اعزام یگان واکنش سریع پدافند هوایی شمال ارتش به نواحی مرزی شمال غربی کشور، استقرار یگان های زرهی ارتش در نوار مرزی شمال غرب کشور، بازدید فرمانده کل سپاه پاسداران از مناطق مرزی شهرستان اصلاندوز مغان، اعزام بخشی از یگان های تیپ ۳۲۱ متحرک هجومی ارتش از شهرستان مرنند به مناطق مرزی شمال غرب و بازدید سردار قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی و سدار احمدعلی گودرزی فرمانده مرزبانی ناجا از نوار مرزی خداآفرین و هشدار به معاندان و ضدانقلاب در مورد سوءاستفاده از مناقشه قر باغ، علاوه بر فرماندهان نظامی و انتظامی، دیگر مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن اعلام امنیت مرزی کشور به عنوان خط قرمز نظام، از طرفین درگیر درخواست نمایند که مراقبت کافی و لازم را از عملکرد خویش به منظور ممانعت از آسیب و تهدید این مناطق به عمل آورند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) نیز در سخنانی بیان داشتند: (مرزهای بین المللی هم باید رعایت بشود؛ یعنی دوطرف به مرزهای بین المللی کشورها تعدی و تجاوز نکنند و مرزهای بین المللی بایستی محفوظ باشد. آیت الله خامنه ای، ۱۳/۰۸/۱۳۹۹ (رجبی و رجبی، ۲۶: ۱۴۰۰-۲۴).

دالان زنگرور و دالان لاچین: دالان زنگرور بر اساس مفاد توافق آتش بس ۲۰۲۰ بین جمهوری آذربایجان

و ارمنستان، جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند مهم ترین عامل ژئوپلیتیکی با تاثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اس.ی.ا.ست. این دالان از یک طرف موجب گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی آذربایجان به ایران و از یک طرف دیگر موجب گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و دریای خزر می‌شود و در نتیجه تهدیدات زمینی و دریایی گسترده ای را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. این تحول در بعد تحریکات قومی نیز بر امنیت ملی ایران آثار منفی خواهد داشت. ایجاد دالان زنگزور همچنین بر ظرفیت های ژئوپلیتیک انرژی ایران اثر منفی خواهد داشت و سوآپ گاز ایران به نخجوان، فروش گاز ایران به ترکیه و ارمنستان و سوآپ گاز ترکمنستان به ترکیه از مسیر ایران را تحت تاثیر قرار می دهد و زمینه را برای اجرای طرح آمریکایی ترانس خزر) فراهم می کند (نجفی سیار، ابراهیمی، ۱۴۰۰:۳۰). در توافق آتش بس منعقد شده جمهوری آذربایجان می بایستی یک دالان به عرض ۵ کیلومتر در منطقه لاجین برای ارتباط میان سرزمین ارمنستان و منطقه ارمنی نش - قره باغ در خاک این کشور ایجاد کند و در عوض ارمنستان نیز از تمامی منطقه لاجین به جزء این دالان ۵ کیلومتری عقب نشینی کند.

رژیم اشغالگر قدس و بحران قره باغ: این رژیم در چارچوب راهبرد اتحاد پیرامونی سعی نموده است که روابط خود را با کشورهای غ. عربی در منطقه گسترش دهد که از آن جمله با کشورهای قفقاز جنوبی (گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) است. در این میان، آذربایجان بیشترین ارتباط را با آن رژیم در زمینه مسائل دفاعی و اطلاعاتی برقرار کرده است (رجبی و رجبی، ۱۴۰۰:۱۹). خروج از انزوای سیاسی و دیپلماتیک از ابتدا الگوی ر هیران اسرائیل بوده است، بر این اساس، اندیشه ائتلاف منطقه ای همیشه در دستور کار سیاستمداران اسرائیلی قرار داشته است. راهبرد پیرامونی که از آغاز شکل گیری رژیم اسرائیل، بنیان سیاست خارجی و تام امنیت آن محسوب می شود، توسط بن گوریون ' و دیگر سیاستمداران اسرائیلی برای مقابله با انزوای محاصره این رژیم از سوی اعراب طرح ریزی شده بود.

بر اساس این دکترین اسرائیل می باسیست باکشور های غیر عرب که به لحاظ جغرافیایی نزدیک به آن هستند، روابط مستحکم و دوستانه ای در عالی ترین سطوح برقرار می نمود تا در مقابله با خطر دولت های عربی، موازنه قدرت حاصل شود. این طرح در ابتدا کشور هایی مانند ایران، ترکیه و اتیوپی را شامل می شد. دکترین پیرامونی به گونه ای چارچوب بندی شده که گسترش روابط نزدیک باکشور های مسلمان غ. عرب خاورمیانه مبنای آن بود. ترکیه و ایران پیش از انقلاب اسلامی، هم زمان دو هدف اصلی این سیاست بودند (توسلی رکن آبادی و رضایی، ۱۳۸۹:۱)، اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به قدرت رسیدن اسلام گرایان در ترکیه (در قالب حزب عدالت و توسعه)، دکترین اتحاد پیرامونی را با چالش جدی مواجه کرد. در چنین شرایطی، از نظر اسرائیل آنکارا در بهترین حالت، دولتی غیر دوست به شمار می آید و تهران تهدیدی نامبارک است با این وضعیت، طبیعی است رژیم اسرائیل به دنبال متحدان

جدیدی برای پیش برد دکترین اتحاد پیرامونی است جمهوری آذربایجان یکی از بازیگرانی است که به دلیل شرایطی که دارد و مسائلی که با آن مواجه است، می تواند در این چارچوب مد نظر مقامات رژیم صهیونیستی باشد. اسرائیل با درک شرایط جمهوری آذربایجان، هم زمان با فروپاشی اتحاد شوروی، درصد اعمال دکترین پیرامونی در رابطه با این کشور برآمد (Murinson.2014:19).

عوامل متعددی برای این انتخاب اسرائیل برای عملیاتی کردن راهبرد امنیتی خود در برابر ایران وجود دارد. نخستین و مهم ترین عامل موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان به دلیل قرار گرفتن در منطقه قفقاز جنوبی در شمال ایران و داشتن مرز آبی و خاکی ۷۵۹ کیلومتری با ایران است. از دیگر موارد می توان، به سدی روابط ایران و آذربایجان اشاره کرد که دلایل مختلفی از جمله حذف ایران از کنسرسیوم نفتی جمهوری آذربایجان و مسائل مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، نزدیکی جمهوری آذربایجان به غرب، سیاست های قوم گرایانه جمهوری آذربایجان، سیاست های مذهبی ایران و مناقشه قره باغ برای آن عنوان شد. وجود جذابیت های اقتصادی در جمهوری آذربایجان برای اسرائیل، به ویژه در حوزه انرژی نیز به عنوان کاتالیزور توانست موجب تسریع فرایند نزدیکی و تعمیق روابط سیاسی-امنیتی دو کشور شود. روابطی که بنا بر موارد گفته شده مهم ترین وجهه آن سیاسی و امنیتی بوده و مهم ترین دگر تعریف شده در این میان برای اسرائیل و جمهوری آذربایجان، ایران به نظر می رسد. خرید تسلیحات و امکانات نظامی (و یا غیر نظامی با کاربرد مشترک همچون سیستم های مخابراتی) که قابلیت استفاده آن ها علیه ایران بسیار بیشتر از سایر کشورها (همچون ارمنستان به نظرمی رسد و همچنین اظهار نظرهای سیاستمداران و تحلیل گران آذری و اسرائیلی می تواند شاهدی بر این مدعا باشد. (مومنی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۴۲۷). لذا اسرائیل فرصت طلبی کرده و به منظور دست یابی به اهداف در پس پرده خود بنای حمایت از مواضع جمهوری آذربایجان در مناقشه قره باغ را گرفته است و در این راستا از هیچ کوششی دریغ ننموده است.

از جمله بازیگری که طی سال های اخ کوشیده تا به هرنحوی نفوذ خود را در منطقه قفقاز گسترش دهد رژیم غاصب صهیونیستی بوده است. وجود ذخایر عظیم انرژی در قفقاز، انتقال یهودیان منطقه به سرزمین های اشغالی، عمل به توصیه بن گوریون مبنی بر لزوم توسعه روابط این رژیم با کشور های غیر عربی نزدیک به غرب آسیا و همچنین وجود مرز طولانی این منطقه با ایران به عنوان کشوری که تل آویو بارها آن رانهم ترین دشمن خود عنوان کرده است، از جمله دلایل تلاش رژیم غاصب صهیونیستی برای نفوذ و حضور در قفقاز جنوبی است. (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۳).

موضع این رژیم در مناقشه قره باغ بسیار محتاطانه بوده است؛ چرا که یک طرف درگیری آذربایجان است که به علت موقعیت راهبردی و داشتن انرژی فسیلی، کشور های غربی و متحدان آنها مانند رژیم غاصب صهیونیستی نمی توانند نسبت به تحولات آن بی تفاوت باشند و طرف دیگر درگیری مناقشه قره باغ،

ارمنی‌ها هستند که لابی‌های آنها در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکا و فرانسه، از نفوذ قابل توجهی برخوردار است؛ ضمن این که مسیحی بودن ارمنستان یک امتیاز مهم در باشگاه مسیحی آمریکا و اروپا برای این کشور حساب می‌آید. بر این اساس تا سال ۲۰۰۰ این رژیم غاصب همواره در رای‌گیری سازمان ملل در باره تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رای ممتنع داده است اما این موضع از سال ۲۰۰۱ تغییر پیدا کرده است و تل آویو برای اولین بار در این رای‌گیری خلاف آمریکا و فرانسه به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رای مثبت داد (ملکی، ۱۳۷۷: ۱۸).

همکاری‌های نظامی و سیاسی جمهوری آذربایجان و اسرائیل: از دید مقامات آذربایجانی همکاری‌های آذربایجان و اسرائیل از چند جهت حائز اهمیت است: ۱- افزایش همکاری‌های اطلاعاتی با اسرائیل و دریافت تکنولوژی‌های نظامی و پیشرفته از این رژیم ۲- مدرن سازی نظامی آذربایجان ۳- استفاده از نفوذ لابی‌های صهیونیستی و یهودی در آمریکا برای مقابله با لابی‌های ارمنی که علیه آذربایجان فعالیت می‌کنند. در جریان سفر حیدر علی اف، رئیس‌جمهور سابق و فقید آذربایجان، به آمریکا در سال ۱۹۹۷ وی خواستار دیدار با سازمان‌های یهودی شد ۴- استفاده از نفوذ لابی‌های صهیونیستی و یهودی برای گسترش روابط آذربایجان با آمریکا و غرب و جلب حمایت بیش از سوی آمریکا (Murinson, 2014: 19). در این میان یکی از اهداف اصلی باکو، استفاده از توان مندی‌های تسلیحاتی اسرائیل در آزاد سازی اراضی اشغالی خود است.

در واقع آموزش و مدرنیزه کردن ارتش آذربایجان بخش مهمی از همکاری‌های نظامی و امنیتی میان باکو و تل آویو است. کمی بعد از جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان اسرائیلی‌ها به آموزش نظامی نیروهای آذربایجانی مشغول شدند. آنها به تدریج با ارائه تجهیزات نظامی از قبیل تانک‌های پیشرفته، ضد تانک، سلاح‌های مدرن پیاده نظام، به مدرنیزه کردن ارتش آذربایجان پرداختند از سال ۹۹۲ تا ۱۹۹۴ که جنگ بین آذربایجان و ارمنستان ادامه داشت اسرائیل از باکو از طریق موشک‌های استینگر و ادوات جنگی حمایت نظامی به عمل آورد. در این جنگ جمعیت یهودیان آذربایجان نیز در کنار آذری‌ها جنگیدند. از سال ۱۹۹۷ بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، سفری غیر رسمی به جمهوری آذربایجان داشت که در آن، درباره روابط دوجانبه و تهدیدهای ایران مذاکراتی را با حیدر علی اف انجام داد. به دنبال آن روابط نظامی دو طرف وارد مرحله جدیدی شد؛ به طوری که برخی از کارشناسان، این دیدار را نقطه آغازین اتحاد دو کشور می‌دانند. بعد از مرگ پدر سیاست همکاری با اسرائیل توسط الهام علی اف نیز پیگیری شد.

در فوریه ۲۰۱۲ به عنوان بخشی از همکاری‌های نظامی، قرار دادی به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار بین باکو و تل آویو امضا شد که در آن آذربایجان از اسرائیل تجهیزات جنگی پیشرفته‌ای دریافت می‌کرد.

بر اساس این قرارداد، صنایع نظامی اسرائیل سیستم های ضد تانک، سیستم های هوایی پیشرفته و تجهیزات ضد پیاده نظام در اختیار ارتش آذربایجان قرار می دهد. هم چنین، سیستم دفاع هوایی اسرائیل به جمهوری آذربایجان کمک می کند هواپیماهای بدون سرنشین در این کشور تولید شود. معاملات تسلیحاتی میان تل آویو و باکو طی سال های ۲۰۱۲ به بعد بالغ بر ۴ میلیارد دلار برآورد شده است اسرائیل در تجهیز نیروی دریایی آذربایجان در دریای خزر نیز نقش جدی دارد. فروش ۱۲ فروند کشتی برای محافظت از سواحل آذربایجان در سال های ۲۰۱۴ و یا فروش موشک های ضد کشتی گابریل ۵، بخشی از همکاری های نظامی دو طرف در حوزه دریایی است. در سال ۲۰۱۶ اسرائیلی ها قصد داشتند که تحویل هواپیماهای بدون سرنشین بیش به آذربایجان را عملیاتی کنند (هواپیماهایی که در نبرد مهم آوریل ۲۰۱۶ نقش مهمی در موفقیت نیروهای آذربایجانی در مقابل ارمنستان داشتند) که به اعتراض ارمنستان و ارامنه بر علیه تل آویو منجر شد. طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، چندین مرحله وزرای خارجه و دفاع اسرائیل از باکو بازدید کرده و در سال ۲۰۱۳ وزیر خارجه آذربایجان از تل آویو دیدار کرد. در میان کشور های اسلامی آذربایجان نزدیک ترین همکاری را با اسرائیل دارد به گونه ای که حتی پس از سردی روابط آنکارا و تل آویو این روابط با قوت ادامه پیدا کرد. اسرائیل که برای دهه ها با همسایگان عرب و مسلمان خود رابطه خصمانه ای داشت، تلاش می کند برای ارتقای امنیت و بهبود وجهه خود، روابطش را با کشور های اسلامی افزایش دهد. آذربایجان که به لحاظ تاریخی روابط خوبی با یهودیان داشته از طرف دیگر در همسایگی ایران نیز قرار دارد، بهترین گزینه در این راستا به حساب می آید. نگرانی های امنیتی اسرائیل از ناحیه ایران عامل کلیدی در گسترش روابط این رژیم با جمهوری آذربایجان است تلاش های ایران برای دست یابی به فناوری صلح آمیز هسته ای از نظر اسرائیل چالش جدی برای امنیت این رژیم به شمار می رود.

بخش قابل توجهی از زرادخانه پیکادی (نظیر هواپیماهای بدون سرنشین انتحاری کامی کازه شنال اوربیتز، هاروپ و اسکای استریکر) و موشکی (نظیر موشک های بالستیک برد کوتاه لرا) جمهوری آذربایجان که نقش موثری در پیروزی این کشور در جنگ اخیر قره باغ داشت-متشکل از تسلیحاتی است که ان را از رژیم صهیونیستی تهیه کرده است (رجبی و رجبی، ۲۰: ۱۴۰۰) اسرائیل پس از روسیه دومین صادر کننده بزرگ اسلحه به آذربایجان است و تاکنون ده ها میلیارد دلار صادرات داشته است. (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۴۵).

آذربایجان به عنوان همسایه شمالی جمهوری اسلامی ایران، در سیاست خارجی اسرائیل از جایگاه ویژه ای برخوردار است. سخنان لیبرمن وزیر خارجه سابقه اسرائیل در سفر به باکو در سال ۲۰۱۲ مبنی بر اینکه آذربایجان برای اسرائیل مهم تر از فرانسه است، بیانگر اهمیت باکو در سیاست خارجی تل آویو و

تمایل مقامات تل آویو برابر اتحاد استراتژیک با باکو است (Murinson.2014:9). در این راستا مقامات اسرائیل به کرات حمایت خود را از تمامیت ارضی آذربایجان اعلام کرده اند.

همکاری های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری آذربایجان و اسرائیل: از دیگاه رژیم صهیونیستی، موقعیت جغرافیایی آذربایجان و هم مرز بودن این کشور با جمهوری اسلامی ایران، آن را به مکانی ایده آل برای گردآوری اطلاعات استراتژیک تبدیل ساخته است. بر همین اساس، منابع رسانه ای ادعا نموده اند که رژیم صهیونیستی در ساخت ایستگاه های جمع آوری اطلاعات الکترونیکی در امتداد مرز جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران به باکو کمک کرده است (اودالیانی، ۲۰۲۰ به نقل از رجبی و رجبی، ۲۴:۱۴۰۰).

به نظر می رسد هدف اصلی اسرائیل از همکاری های اطلاعاتی و نظامی با باکو، رصد و در نهایت ضربه زدن به برنامه هایی هسته ای و موشکی ایران است. بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران و اسرائیل قطع شد و دو کشور همدیگر را به چشم دشمن نگاه می کنند و در همین چارچوب، برنامه هسته ای و موشکی ایران به تنش ها و نگرانی های اسرائیل دامن زده است. شیمون پرز، رئیس جمهور سابق اسرائیل معتقد بود اسرائیل از سوی هیچ کشوری جز ایران تهدید نمی شود. وی ایران را بزرگترین تهدید برای امنیت و موجودیت اسرائیل اعلام کرده است (جعفری ولدانی، ۸۴:۱۳۸۲).

حضور رژیم صهیونیستی باعث تقویت حضور نیروهای ناتو در منطقه و ناامن شدن محیط امنیتی پیرامون ایران می شود. اسرائیل با ایجاد پایگاه اطلاعاتی شنود در مجاورت مرزهای ایران با استفاده از بی تجربگی مسئولین آذری اقدامات ضد ایرانی را هدایت می کند. (کیانی و بیرانوند، ۷۲:۱۳۹۷)

به طور کلی اهداف رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان: قطعاً رژیم صهیونیستی برای خود اهدافی از همکاری با جمهوری آذربایجان دارد با در نظر گرفتن سوابق این رژیم می توان در حال حاضر مهم ترین اهداف این رژیم از حضور در آذربایجان را به شرح زیر برشمرد:

- ۱- همکاری با آمریکا و غرب در منطقه راهبردی قفقاز برای رسیدن به منافع سیاسی و بین المللی مشترک.
- ۲- جلوگیری از نفوذ معنوی و فرهنگی ج.ا.ا. در آذربایجان با توجه به همسایگی دو کشور.
- ۳- برنامه ریزی بلند مدت درباره اقدام علیه ج.ا.ا. از جمله شناسایی گروه های مخالف و موافق ج.ا.ا. و برقراری ارتباط با گروه های مخالف برای بهره برداری اطلاعاتی و سیاسی.
- ۴- افزایش حضور و نفوذ در جمهوری آذربایجان برای کنترل رفتار ج.ا.ا. با کشورهای منطقه قفقاز و نیز روسیه.

- ۵- ترویج تفکرات صهیونیستی و تسهیل در مهاجرت یهودیان منطقه قفقاز به سرزمین های اشغالی.
- ۶- بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر و تامل نفت مورد نیاز از جمهوری آذربایجان و مشارکت در پروژه های انتقال انرژی.

۷- همکاری و ایجاد روابط با یک کشور مسلمان و شیعه (با عنایت به حاکمیت لائیک) و به دست آوردن وجهه سیاسی مبنی بر این که رژیم اشغالگر قدس با یک کشور اسلامی دارای روابط خوب و قوی است.

۸- اقدام به لابی سازی در جمهوری آذربایجان که در این راستا مراحل زیر در حال اجرا است:
* سازماندهی یهودیان داخل جمهوری آذربایجان.

* متشکل کردن یهودیان آذری الاصل مهاجرت کرده به سرزمین های اشغالی.

* ایجاد پیوند میان آن ها و به تبع آن تشکیل سازمانی بزرگ تر. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

۹- تبدیل کردن آذربایجان به پایگاه منطقه ای ثابت برای تخصیص علیه ایران.

۱۰- سرمایه گذاری کلان اقتصادی.

۱۱- فروش سلاح و تجهیزات نظامی به آذربایجان.

۱۲- اعمال فشار بر مرزهای شمالی ایران و ایجاد نگرانی امنیتی برای ایران (نجفی سیار، ابراهیمی، ۱۴۰۰: ۳۶)
رژیم صهیونیستی و ارمنستان: از نظر ارامنه یکی از اهداف نظامی سه جانبه اسرائیل، ترکیه و آذربایجان، تحت فشار قرار دادن ارامنه است. ضمن اینکه از نظر ارامنه، رژیم صهیونیستی یکی از موانع در راستای شناسایی کشتار ۱۹۱۵ ارامنه بعنوان نسل کشی بوده است. به نحوی که ریو کاکوهن^۱ سفیر اسبق رژیم صهیونیستی در ارمنستان که در عین حال سفیر در گرجستان و البته مقیم تل آویو بوده در فوریه ۲۰۰۲ در یک سخنرانی تاکید نمود: نمی توان به واقعه ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ عنوان نسل کشی داد. ارمنستان تاکنون به خاطر این موضوع و برخی ملاحظات منطقه ای به رغم فشار های اسرائیل در فلسطین اشغالی سفارت باز نکرده است. حال آنکه کنسولگری ارمنستان در تل آویو فعال است (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴ به نقل از ابراهیمی کیایی وزارعی، ۱۳۸۰: ۱۳۹۹). حجم مبادلات تجاری رژیم صهیونیستی با ارمنستان در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۰ میلیون دلار اعلام شده است. (ابراهیمی کیایی وزارعی، ۱۳۸۰: ۱۳۹۹). تا سال ۲۰۰۰ این رژیم غاصب همواره در رای گیری سازمان ملل در باره تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رای ممتنع داده است اما این موضع از سال ۲۰۰۱ تغییر پیدا کرده است و تل آویو برای اولین بار در این رای گیری خلاف آمریکا و فرانسه به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رای مثبت داد (ملکی، ۱۳۷۷: ۱۸).

مصاحبه:

جامعه آماری: انجام مصاحبه با صاحب نظران، اندیشمندان و محققین مرتبط در حوزه های مختلف فراهم و با طرح مصاحبه باز و تا رسیدن به مرحله اغناء و اشباع نظری (۲۱ نفر) با روش گلوله برفی داده های مورد نیاز تهیه و جمع بندی گردید. روایی سوالات مصاحبه با روایی محتوایی تعیین شده و پایایی آن نیز از طریق روش هولستی انجام می گیرد. که در ذیل مصاحبه های انجام گرفته به صورت کامل آورده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق:

منطقه قره باغ از زیر مجموعه های امنیتی منطقه قفقاز جنوبی است که از دیرباز محل مناقشه میان دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان بوده است. مناقشاتی که از ابتدا حالت خشونت آمیز به خود گرفته و آخرین مورد آن را می توان در جنگ میان دو کشور از ۲۷ سپتامبر مشاهده نمود. مجاورت جغرافیایی این منطقه با مرزهای شمال غرب ایران، میراث تاریخی مشترک، و قومیت ها و نژاد های یکسان از یک طرف و نقش آفرینی گسترده رژیم غاصب صهیونیستی به عنوان دشمن قسم خورده و درجه یک جمهوری اسلامی و ترکیه به عنوان رقیب سنتی جمهوری اسلامی از طرف دیگر سبب گشته تا ملاحظات امنیتی و نظامی آن برای جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. در ابتدای فصل دوم از نظریه واقع گرایی تهاجمی استفاده شد که طبق این نظریه کشورها به واسطه منافع خود دیگر کشورها را مورد تهدید قرار می دهند لذا هرکشوری باید بکوشد و برای جلوگیری از آسیب دیدن از سایر کشورها به هژمون منطقه تبدیل شود و این هژمون شدن مستلزم داشتن قدرت نظامی و اقتصادی برتر می باشد که برابر ادبیات جمع آوری شده و هم چنین مصاحبه های به عمل آمده ج.ا.ا. نیزبایستی به منظور جلوگیری از تهدیدات ناشی از حضور رژیم صهیونیستی و ترکیه در منطقه قره باغ قدرت نظامی و اقتصادی خود را افزایش دهد که چگونگی و جزئیات آن به شرح زیرمی باشد.

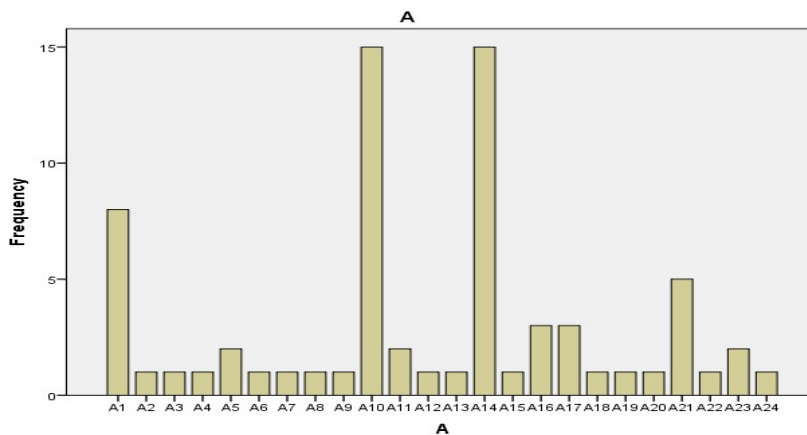
. جمع بندی مصاحبه های صورت گرفته با اندیشمندان و نخبگان:

A= تهدیدات ناشی از نقش آفرینی رژیم اشغالگر قدس در منطقه مورد مناقشه قره باغ برعلیه امنیت نظامی ج.ا.ا:

B=روش های جلوگیری، حذف و یا تقلیل تهدیدات ناشی از حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه مورد مناقشه قره باغ برعلیه امنیت نظامی ج.ا.ا:

فراوانی نسبی fi	فراوانی مطلق Fi	نقش آفرینی رژیم اشغالگر قدس در منطقه مورد مناقشه قره باغ باعث ایجاد چه تهدیداتی برعلیه امنیت نظامی ج.ا.ا می شود
۳۸ درصد	۸	A1-حضور رژیم غاصب صهیونیستی در نواحی مرزی
۴ درصد	۱	A2-کنترل فرودگاه آذربایجان
۵ درصد	۱	A3-نفوذ اطلاعاتی
۵ درصد	۱	A4-اتحاد بین اسرائیل و آذربایجان و ترکیه
۱۰ درصد	۲	A5-اجرای طرح گوبل و بستن شمال ایران
۵ درصد	۱	A6-پایین آمدن روحیه وانگیزه نیروهای نظامی ج.ا.ا
۵ درصد	۱	A7-مشغول سازی ج.ا.ا
۵ درصد	۱	A8-آموزش نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان

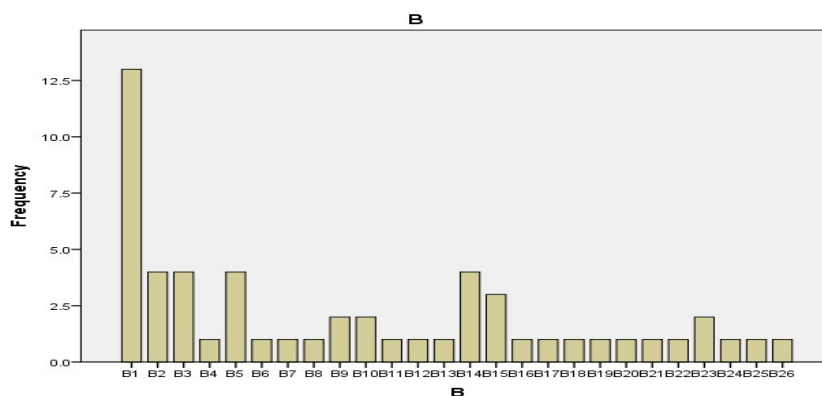
f_i فراوانی نسبی	F_i فراوانی مطلق	نقش آفرینی رژیم اشغالگر قدس در منطقه مورد مناقشه قره باغ باعث ایجاد چه تهدیداتی بر علیه امنیت نظامی ج.ا.ا می شود
۵ درصد	۱	49-انجام عملیات های ایدایی، خرابکاری
۷۱ درصد	۱۵	10-احداث پایگاه های شنود، جاسوسی و جمع آوری
۱۰ درصد	۲	11-ایجاد شکاف در روابط ایران، آذربایجان و ترکیه
۵ درصد	۱	12-شناسایی نقاط کور پدافندی ج.ا.ا
۵ درصد	۱	13-رصد فعالیت های نظامی ج.ا.ا
۷۱ درصد	۱۵	14-تجهیز تسلیحاتی آذربایجان (و پپاد)
۵ درصد	۱	15-حضور مستشاران نظامی
۱۴ درصد	۳	16-تحریک کشور آذربایجان
۱۴ درصد	۳	17-جذب منابع جمع آوری انسانی
۵ درصد	۱	1-فشار بیشتر به ارمنستان
۵ درصد	۱	19-بالا بردن اعتماد به نفس جمهوری آذربایجان برای مقابله با منافع ایران.
۵ درصد	۱	20-توسعه یهودی های اشکنازی در آذربایجان
۳۳ درصد	۵	21-تفرقه افکنی قومیتی
۴ درصد	۱	22-تضعیف شیعیان ساکن در آذربایجان
۱۰ درصد	۲	23-تاسیس پایگاه نظامی در کشور آذربایجان
۵ درصد	۱	24-انتقال گروهک های تکفیری سلفی



نمودار ۱-۴: توز فراوا مقولات مربوط به مفهوم A (محقق ساخته)

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق F_i	روش های جلوگیری، حذف و یا تقلیل تهدیدات ناشی از نقش آفرینی رژیم اشغالگر قدس
۶۱ درصد	۱۳	B1- افزایش قدرت سیاسی و دیپلماسی کشور
۱۹ درصد	۴	B2- حل کردن مشکلات با سایر کشورها
۱۹ درصد	۴	B3- تنش زدایی با آذربایجان
۵ درصد	۱	B4- تقویت دستگاه های تبلیغاتی بیرون مرزی
۱۹ درصد	۴	B5- تقویت قدرت اقتصادی کشور
۵ درصد	۱	B6- کم نمودن فساد داخلی و افزایش سرمایه اجتماعی
۵ درصد	۱	B7- برگزاری مانورهای نظامی مشترک با جمهوری آذربایجان و ترکیه
۵ درصد	۱	B8- انجام عملیات های اطلاعاتی
۱۰ درصد	۲	B9- رصد اطلاعاتی منطقه
۱۰ درصد	۲	B10- تقویت محور مقاومت
۵ درصد	۱	B11- رعایت اصول پدافند غیر عامل در مقابله با اقدامات جاسوسی رژیم مذکور در منطقه
۵ درصد	۱	B12- به خطر انداختن منافع اسرائیل در همه نقاط دنیا
۵ درصد	۱	B13- تاکید بر محوریت اسلام به جای قوم گرایی.
۱۹ درصد	۴	B14- حساس کردن کشورهای روسیه و ترکیه به حضور اسرائیل در منطقه

B15- تقویت چارچوب های حفاظتی در مناطق مرزی	۳	۱۴ درصد
B16- افزایش آگاهسازی مناطق مرزی	۱	۵ درصد
B17- برخورد سفت و سخت مقطعی با جمهوری آذربایجان	۱	۵ درصد
B18- ایفای نقش میانجیگری در قره باغ	۱	۵ درصد
B19- انعکاس حساسیت های ایران از حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه	۱	۵ درصد
B20- افزایش فشار بر این رژیم در داخل مرزهایش	۱	۵ درصد
B21- گرفتن آرایش تهاجمی در اطلاعات نظامی و غیر نظامی	۱	۵ درصد
B22- تقویت همکاری ها با ارمنستان	۱	۵ درصد
B23- استفاده از کاربرد دیپلماسی پنهان و اقدام پنهان	۲	۱۰ درصد
B24- همکاری با روسیه برای کنارزدن الهام علی اف	۱	۵ درصد
B25- حذف فیزیکی افسران رژیم صهیونیستی	۱	۵ درصد
B26- تقویت روابط نظامی ج.ا.ا با ترکیه	۱	۵ درصد



نمودار ۲/۴: توزیع فراوانی مقولات مربوط به B

خلاصه اولویت بندی تهدیدات رژیم صهیونیستی و اقدامات مقابله ای با این تهدیدات که امنیت نظامی جمهوری اسلامی را به خطر می اندازد؟

رژیم صهیونیستی	مقولات	فراوانی نسبی
اولویت اول تهدید	تجهیز تسلیحاتی آذربایجان (اعزام پهباد) و احداث پایگاه های شنود جاسوسی و جمع آوری	۷۱ درصد
اولویت دوم تهدید	حضور رژیم غاصب صهیونیستی در نواحی مرزی	۳۸ درصد
اولویت سوم تهدید	تفرقه افکنی قومیتی	۲۳ درصد
اولویت چهارم تهدید	تحریک کشور آذربایجان و جذب منابع جمع آوری انسانی	۱۴ درصد
اولویت بندی تهدیدات رژیم غاصب صهیونیستی (A)	تاسیس پایگاه نظامی در کشور آذربایجان ، اجرای طرح کوبل و بستن شمال ایران، ایجاد شکاف در روابط ایران، آذربایجان و ترکیه	۱۰ درصد
اولویت ششم تهدید	کنترل فرودگاه آذربایجان نفوذ اطلاعاتی، اتحاد بین اسرائیل و آذربایجان و ترکیه، پایین آمدن روحیه و انگیزه نیروهای نظامی ج.ا.ا. مشغول سازی ج.ا.ا. آموزش نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان، شناسایی نقاط کور پدافندی ج.ا.ا. انجام عملیات های ایذایی، خرابکاری، رصد فعالیت های نظامی ج.ا.ا. حضور مستشاران نظامی، فشار بیشتر به ارمنستان، بالگردن اعتماد به نفس جمهوری آذربایجان برای مقابله با منافع ایران، توسعه یهودی های اشکنازی در آذربایجان، تضعیف شیعیان ساکن در آذربایجان، انتقال گروهک های تکفیری سلفی	۵ درصد
ضرورت اول مقابله	افزایش قدرت سیاسی و دیپلماسی کشور	۶۱ درصد
ضرورت دوم مقابله	تنش زدایی با آذربایجان، حل کردن مشکلات با سایر کشورها، حساس کردن کشورهای روسیه و ترکیه به حضور اسرائیل در منطقه	۱۹ درصد
ضرورت سوم مقابله	تقویت چارچوب های حفاظتی در مناطق مرزی	۱۴ درصد
ضرورت چهارم مقابله	تقویت قدرت اقتصادی کشور، رصد اطلاعاتی منطقه، تقویت محور مقاومت، استفاده از کاربرد دیپلماسی پنهان و اقدام پنهان	۱۰ درصد
ضرورت اقدامات مقابله ای به تهدیدات رژیم صهیونیستی (B)	افزایش فشار بر این رژیم در داخل مرزهایش، انعکاس حساسیت های ایران از حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه، ایفای نقش میانجیگری در قره باغ، برخورد سخت و سخت مقطعی با جمهوری آذربایجان، افزایش آگاه سازی مناطق مرزی، گرفتن آرایش تهاجمی در اطلاعات نظامی و غیر نظامی، تقویت همکاری ها با ارمنستان، همکاری با روسیه برای کنار زدن الهام علی اف، حذف فیزیکی افسران رژیم صهیونیستی، تقویت روابط نظامی ج.ا.ا با ترکیه، تقویت دستگاه های تبلیغاتی بیرون مرزی، کم نمودن فساد داخلی و افزایش سرمایه اجتماعی، برگزاری مانورهای نظامی مشترک با جمهوری آذربایجان و ترکیه، انجام عملیات های اطلاعاتی، رعایت اصول پدافند غیر عامل در مقابله با اقدامات جاسوسی رژیم مذکور در منطقه، به خطر انداختن منافع اسرائیل در همه نقاط دنیا تاکید بر محوریت اسلام به جای قوم گرایی	۵ درصد

نتیجه گیری:

بی شک گسترش اختلافات منطقه ای و مرزی، تشدید مسائل امنیتی، گستراندن توره‌های جاسوسی برای جوانان و محدود مخالفان نظام، گسترش و ترغیب شعارهای تجزیه طلبانه، افزایش نگرش های لائیک و یا ترویج مباحث تبشیری و تزلزل در اسلام گرایی مردمان کشور های منطقه و نهایتا دور شدن این کشور ها از گستره همسایگان و همپیمانان منطقه ای جمهوری اسلامی ایران دامن خواهد زد که با عدم مراقبت حاکمان و دولت های مستقر بر کشور های همسایه و حضور و نفوذ در فضای تمامیت ارضی کشور های همسایه و حضور و نفوذ متقابل در آن کشورها شود. رقابت موجود میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای وضعیت بازی با حاصل جمع صفر را برای ایران در ارتباط با جمهوری آذربایجان به ارمغان آورده است

نتایج حاصله از پژوهش موجود که در ذیل به تفصیل اشاره خواهد شد از یک طرف با نظریه واقع گرایی تهاجمی تطابق دارد به نحوی که طبق این نظریه کشورها به واسطه منافع خود دیگر کشورها را مورد تهدید قرار می دهند لذا هرکشوری باید بکوشد و برای جلوگیری از آسیب دیدن از سایر کشورها به هژمون منطقه تبدیل شود و این هژمون شدن مستلزم داشتن قدرت نظامی و اقتصادی برتر می باشد که برابر ادبیات جمع آوری شده و هم چنین مصاحبه های به عمل آمده ج.ا.ا. نیز بایستی به منظور جلوگیری از تهدیدات ناشی از حضور رژیم صهیونیستی در منطقه قره باغ قدرت نظامی و اقتصادی خود را افزایش دهد

در جمع بندی ادبیات نظری (که شامل منابع کتابخانه ای و میدانی) و همچنین مصاحبه با نخبگان و صاحب نظران این حوزه تبعات و پیامدهای ناشی از نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در منطقه مورد مناقشه قره باغ بر علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی در شش سطح اولویت بندی گردید، اولویت اول تهدید این رژیم ۱- احداث پایگاه های شنود و جاسوس ۲- تجهیز تسلیحاتی جمهوری آذربایجان و حمایت پهلادی از این کشور می باشد؛ اولویت دوم تهدید این رژیم خود حضور رژیم صهیونیستی در نواحی مرزی ج.ا.ا. می باشد. اولویت سوم تهدید رواج تفرقه افکنی قومیتی می. اولویت چهارم تهدیدات رژیم صهیونیستی ۱- تحریک نمودن کشور جمهوری آذربایجان بر علیه ج.ا.ا. ۲- جذب منابع جمع آوری انسانی می باشد؛ اولویت پنجم تهدید ۱- تاسیس پایگاه نظامی در کشور آذربایجان می باشد؛ ۲- ایجاد شکاف در روابط ایران با ترکیه و جمهوری آذربایجان می باشد ۳- اجرای طرح گوبل و بستن شمال ایران (کریدور شمال جنوب)؛ بستن کریدور شمال جنوب (اجرای طرح کریدور زنگزور) از یک طرف به شدت روی مناسبات اقتصادی و از طرف دیگر باعث ایجاد تنش در مرزهای شمالی و شمال غربی کشور می گردد و این موضوع نیز از دید مقامات رژیم صهیونیستی و عناصر اطلاعاتی آنها در این منطقه دور نخواهد

ماند. اولویت ششم تهدیدات این رژیم عبارتند از ۱- نفوذ اطلاعاتی در منطقه ۲- انتقال گروهک های تکفیری سلفی به منطقه ۳- تضعیف شیعیان ساکن در جمهوری آذربایجان؛ کشور آذربایجان از حیث نسبت شیعیان به کل جمعیت بعد از ج.ا.ا. اسلامی دومین کشور شیعه در جهان می باشد و این موضوع به صورت بالقوه مزیتی برای ج.ا.ا. به حساب می آید و هم امر باعث می شود که مقامات سیاسی و اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس از این موضوع به راحتی عبور نکرده و اقدامات لازم در خصوص به حاشیه راندن شیعیان جمهوری آذربایجان را در دستور کار خود قرار خواهند داد و از آنجایی که ج.ا.ا. روی این موضوع حساسیت ویژه ای دارند نسبت به این موضوع واکنش نشان خواهد داد ۴- توسعه یهودیان اشکنازی در جمهوری آذربایجان ۵- بالابردن اعتماد به نفس باکو برای مقابله با منافع ایران ۶- وارد آوردن فشار بیشتر به ارمنستان به منظور اتخاذ تصمیمات خلاف مصالح ج.ا.ا. ۷- حضور مستشاران نظامی اسرائیلی ۸- رصد فعالیتهای نظامی ج.ا.ا. ۹- شناسایی نقاط کور پدافندی ج.ا.ا. ۱۰- انجام عملیات های ایذایی و خرابکاری بر علیه ج.ا.ا. ۱۱- مشغول سازی ج.ا.ا. و درگیر نمودن نواحی مرزی (ایجاد حالت امنیتی در منطقه) ۱۲- پایین آمدن روحیه و انگیزه نیروهای نظامی ج.ا.ا. پس از استقرار در مناطق مرزی با فرسایشی و طولانی شدن مناقشه ۱۳- ایجاد اتحاد بین رژیم صهیونیستی، آذربایجان و ترکیه ۱۴- به دست گرفتن کنترل فرودگاه آذربایجان توسط رژیم صهیونیستی، می باشند.

در خلال جمع آوری ادبیات نظری از منابع میدانی و کتابخانه ای و هم چنین مصاحبه با نخبگان و اندیشمندان مربوطه به منظور دست یابی به تهدیدات و آسیب پذیری های تاثیر گذار بر امنیت نظامی ج.ا.ا. ناشی از حضور رژیم صهیونیستی در منطقه مورد مناقشه قره باغ هم زمان راه کارها و راه حل های جلوگیری، کاهش و یا حذف این تهدیدات نیز جمع آوری گردید و در قالب ضرورت های مقابله ای با این رژیم صهیونیستی دسته بندی و اولویت بندی گردید. بدیهی است پرداختن به همگی راه حل های احصائی علاوه هزینه بر بودن و زمان بر بودن به دلایل سیاسی و موقعیت کنونی نظام ج.ا.ا. به صورت هم زمان دور از ذهن است اما همین اولویت بندی نمودن می تواند کار را راحت کرده و برای مقامات کشوری و لشکری این فرصت را فراهم نماید که به ترتیب اولویت ها عمل نموده و نسبت به جلوگیری، کاهش یا حذف تهدیدات ناشی از نقش آفرینی رژیم صهیونیستی و ترکیه بر علیه امنیت ملی و خاصه امنیت نظامی کشور اقدام نمایند.

ضرورت اول مقابله با اقدامات رژیم صهیونیستی افزایش قدرت سیاسی و دیپلماسی ج.ا.ا. می باشد. ضرورت دوم مقابله با اقدامات این رژیم ۱- ج.ا.ا. مشکلات خود را با سایر کشورها کاهش ۲- تنش زدایی با جمهوری آذربایجان با تاکید بر اشتراکات مشترک ۳- حساس کردن کشورهای روسیه و ترکیه به حضور رژیم صهیونیستی در منطقه ۴- تقویت قدرت اقتصادی کشور و برپایی بازارچه های مرزی مشترک با کشور های منطقه به ویژه جمهوری آذربایجان و ترکیه ضرورت سوم مقابله با اقدامات رژیم صهیونیستی

تقویت چارچوب های حفاظتی در مناطق مرزی و برگزاری مانورهای نظامی به منظور نشان دادن توان پدافندی و آفندی نیروهای نظامی ج.ا.ا می باشد، ضرورت چهارم مقابله با اقدامات رژیم کودک کش اسرائیل در منطقه ۱- رصد اطلاعاتی منطقه به منظور شناسایی اهداف، توانایی های، محدودیت ها و مقدرات رژیم غاصب صهیونیستی.

منابع:

- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور
- سریع القلم، محمود، (۱۳۹۰)، توسعه جهان سوم و نظام بین الملل، تهران، انتشارات سفیر، چاپ سوم
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره حیر امنیتی ملی، مترجم، پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
- نصری، قدیر (۱۴۰۱)، تحول در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران؛ پیامدهای اعلانی و ضد اطلاعاتی، نشر فارابی (پژوهشکده مطالعات راهبردی اندیشه راهگشا).
- ابراهیمی کیاپی، و زارعی، هادی، کمال (۱۳۹۹)، تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۹ (شماره پیاپی ۶۲) صص ۳۰-۳۶
- اشرفی، احمد، محمد زاده، علی و احمدی موسی آباد، رضا (۱۴۰۰)، مطالعه میدانی رویکرد ژئوپلیتیک ترکیه در حوزه اورا با تاکید بر منابع انرژی در منطقه قفقاز، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۶، بهار ۱۴۰۰، ۱۶۱-۱۷۹
- امید، علی و خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، تاثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۷۳
- بیرانوند، رضا و کیانی، جواد (۱۳۹۷)، شناسایی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران جمهوری آذربایجان، پژوهش نامه مطالعات مرزی، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷
- توسلی رکن آبادی، مجیدورضایی نیما (۱۳۸۹)، تاثیر ساختار حزبی به یاسد خارجی اسرائیل در قبال ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره
- جواد، ارجمند، محمد جعفر و رضازاده، حبیب و حضرت پور، سعیده (۱۳۹۳)، بررسی علت های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱
- جعفری فر، احسان، احراری، سجاد و محمدی، محمد (۱۳۹۷)، سیاست خارجی آیکا و روسیه در بحران قره باغ، فصلنامه مطالعات سیاسی بین المللی، سال سوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۷
- ساوه درودی، مصطفی، خلیلی، ابراهیم و موسوی سید محمد باقر (۱۳۹۵)، رژیم اشغالگر قدس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم
- ویسی، صالح، مکریمی پور، محمدباقر، عسگرخانی، ابومحمد و محمدی سبحان (۱۴۰۰)، لیل اقدام نظامی جمهوری آذربایجان در قبال مسئله نوگورنو قره باغ و جمهوری آرتساخ، و همچنین بررسی اجمالی مواضع جمهوری اسلامی ایران (جنگ سپتامبر ۲۰۲۰)، نشریه علمی مدیریت و پژوهش های دفاعی، سال بیستم، شماره ۹۲، تابستان ۱۳۹۹: ۱۷۹-۱۴۰۰

- صالح نیا، علی (۱۳۹۵)، بررسی نظری مفهوم امنیت ملی و ابعاد مختلف آن، مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهین کنگره پیشگامان پیشرفت.
- رجبی، محمد و رجبی هادی (۱۴۰۰)، تهدیدات مناقشه قره باغ بر امنیت مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره دهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، ۲۳۴-۲۰۳.
- غفاری، امید، ویسی نژاد، امیدعلی، تقی پور، محمد (۱۳۹۱)، مناقشه قره باغ و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا، فصلنامه علمی-پژوهشی امنیت پژوهی، سال یازدهم، شماره ۳۹-پاییز ۱۳۹۱.
- قربانی نژاد، ریاض، حافظ نیا، محمد رضا، احمدی پور، زهرا و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، بررسی مفهوم منازعه در نظریه های روابط بین الملل و ژئوپلیتیک، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۳، ۲۹۱-۲۶۵.
- کرمی، تقی (۱۳۷۴)، عوامل منطقه ای تطویل کشمکش بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۴۶۳-۵، ۴۷۰.
- گنج خاندلو، جواد (۱۳۹۸)، راهبرد سیاسی ایران در حل مساله قره باغ با تاکید بر تامة منافع ملی، دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی، سال چهارم، شماره ۷ (پیاپی: ۲۱)، دی ۱۳۹۸.
- مومنی، مجیدرضا و رحیمی، امید (۱۳۹۵)، تقابل ایران و اسرائیل و تاثیر آن برگسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۴۳۱-۴۱۵.
- ملکی، محمد رضا (۱۳۷۷)، ترفندهای اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز، روزنامه جامعه، ۱۳۷۷/۱۲/۲۳، سال یکم، شماره ۶۴.
- نجفی سیار، رحمان و ابراهیمی، حامد (۱۴۰۰)، آثار و پیامدهای توافق نامه آتش بس بحران ۲۰۲۰ قره باغ بر ایت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، ۴۹۹۴-۴۹۹۳.
- Jhnson, Dominic D. P. And thayer, Bradley A (2016), **The evolution offensive realism Survival underanarchy frime The Pleistocene the present**, Pilitics and the Life Sciences. volume 35, issue 1. p.1
- Kirishner, Jonathan (2010), **The tragedy of offensive realism: Classical realism and the rise of china**, European Journal of International Relations, volume 18, issue I, p. 8.
- Murinson, Alexander (2014), **"the ties between israel and Azsrbaijan"**, the begin
- Sadat center for Strategic Studies, Bar –Ilan University
- Shanmugasundaram, Sasikumar (2012), **Regional hegemony and emerging powers**, CEU Etd Collection, p.18.
- Toft, Peter (2005), Jhon J. Mearsheimer: **an offensive realist between geopolitics**

and power, *Journal of International Relations and Development*, volume 8, issue 4, p.4.

- Valeriano, Brandon (2009), **The Tragedy of Offensive Realism: Testing Aggressive Power Politics Model**, *International Intractions*, volume 35, issue 2, p.6.
- Jung Kim, Dong (2020), **A Case for Geoeconomic Restraint: Offensive Realism and the Inflacted Threat of Chinese Economic Initiatives**, *GEOPOLITICS*, p.5-6.